

## کودکانه‌ها در ادبیات شفاهی مردم بختیاری

دکتر عباس قنبری عُدیوی<sup>۱</sup>

### چکیده

ادبیات شفاهی مردم بختیاری، از تولد تا پیری را دربرمی‌گیرد. این ادبیات در ساختار اقلیمی و نوع زندگی مردم تعریف می‌شود و زبان، واژگان، تعبیر و عناصر آن برگرفته از فضای خاص زندگی عشایری- روستایی آنهاست. در مجموعه عناصر فرهنگ مردم، هر آن چیزی را که به صورت آوایی (نغمه)، نمایشی (رفتاری) و گفتاری به کودک مربوط می‌شود، می‌توان ذیل کودکانه‌های فرهنگ مردم گردآوری کرد. این کودکانه‌ها بازی‌هایی هستند که با کلام و تخیل همراه شده و کودکان از غنا و تنوع آنها در طول تاریخ بهره‌مند گشته‌اند. در این مقاله گونه‌های نثری و شعری کودکانه‌های بختیاری با درونمایه‌های غنایی، تعلیمی و داستانی بررسی شده است.

**کلیدواژه‌ها:** قوم بختیاری، ادبیات شفاهی کودکانه، ترانه‌های بختیاری،

مثل‌های بختیاری، مثل‌های بختیاری، قصه‌های بختیاری

---

۱. دکترای فولکلور از دانشگاه تاجیکستان؛ مدرس دانشگاه و پژوهشگر فرهنگ مردم

## مقدمه

مردمان بختیاری از جمله اقوامی هستند که با حفظ نسبی فرهنگ، آداب و سنت‌های بومی خود و پاسداشت گویش (زبان) خویش، به انتقال میراث فرهنگی خود به نسل‌های آینده اهتمام ویژه دارند. یکی از عرصه‌های انتقال میراث فرهنگی، انتقال آداب و سنت‌های دیرین به فرزندان است که این پیوند در گونه‌های شفاهی ادبی عامه نمود بیشتری دارد. چنانکه می‌توان گفت، ترانه، مثل، چیستان، مثل یا ضرب‌المثل، قصه و... تکیه‌گاه و محمل اثربخشی برای تعلیم و تربیت ایلی و پاسداری از فرهنگ محلی است. اهمیت این مسئله در ضرورت حفظ میراث معنوی (غیرمادی) ملت‌ها و اقوام است و بیم آن می‌رود که با جهانی شدن و تغییر ساختار و سبک زندگی، این بخش از ادبیات غنی ایرانی به فراموشی سپرده شود. از این رو، متن‌شناسی، بررسی و تحلیل این گونه‌ها، زمینه را برای کارشناسان و متخصصان فرهنگ مردم، برنامه‌سازان رسانه ملی و دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت فراهم خواهد کرد تا از فرصت‌های موجود در فرهنگ مردم بهره ببرند و راه را بر تهدیدها و آسیب‌ها ببندند.

ادب شفاهی همه رده‌های سنی را دربرمی‌گیرد، اما هر آن چیزی را که به صورت آوایی (نغمه)، نمایشی (رفتاری) و گفتاری به کودک مربوط شود، می‌توان ادب شفاهی کودکانه نامید. ادبیات شفاهی مربوط به کودک، باید بتواند حس ارضا و اقناع را در خواننده و شنونده ایجاد کند. «لالایی‌ها، اسطوره‌ها، حکایت‌ها، قصه‌های پریان، قصه‌های حماسی و پهلوانی از جمله آثاری هستند که کودکان نیز از غنا و تنوع آنها لذت می‌برند.» (قزل‌ایاغ، ۱۳۸۵: ۷۶)

برای بررسی ادبیات کودکان، می‌توان به محورهای زیر اشاره کرد:

### کودکانه‌ها در ادبیات شفاهی مردم بختیاری ❖ ۳۵

۱. لالایی‌ها ۲. ترانه‌های نوازشی کودک ۳. چیستان‌ها و بداهه‌ها ۴. متل‌ها و افسانه‌ها ۵. مثل‌ها ۶. اشعار مکتبخانه‌ای ۷. آیین‌ها ۸. بازی‌ها (نمایشی/ سرگرمی) ۹. متفرقه

### ساختار و محتوای ادبیات شفاهی کودکانه

گونه‌های ادب کودکانه بختیاری در قالب، ساختار یا محتوای زیر می‌گنجند:

الف) از نظر ساختاری: آفریده‌های کودکانه بختیاری به دو صورت منظوم (شعر/ نظم) و منثور (غیرمنظوم) بیان می‌شوند.

ب) از نظر محتوایی: این آفریده‌ها به حسب درونمایه و موضوع‌های خود، به صورت‌های زیر قابل تقسیم و تفکیک‌اند:

۱. غنایی: موضوع‌هایی که در ادب فارسی، در زمره شعر غنایی قرار می‌گیرند عبارت‌اند از: عشق و جوانی، پیری و مرگ، غم و شادی و... حتی داستان‌های منظوم ادب فارسی هم در محدوده شعر غنایی قرار می‌گیرند.
۲. تعلیمی: به آثاری گفته می‌شود که موضوع آن مسائل اخلاقی، عرفانی، مذهبی، اجتماعی، پند و اندرز، حکمت و... است.
۳. داستانی: آن بخش از رخدادها و حوادثی که واقعی نیستند و ساخته ذهن پدیدآورنده‌اند. آنچه واقعی است، غیر داستانی محسوب می‌شود.
۴. سرگرمی: بسیاری از متن‌های ادب عامیانه و ادبیات عامه‌پسند در این حوزه قرار می‌گیرند.

بخش عمده‌ای از انواع ترانه‌ها، لالایی‌ها، بازی‌ها، دعاها و... در فرهنگ عامه اقوام به طور اختصاصی به کودکان مربوط می‌شوند؛ به گونه‌ای که پدران

### ۳۶ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

یا مادران از دوران نوزادی تا زمان کودکی فرزندانشان به این ترانه‌ها و اشعار توجه دارند. در ادامه به نمونه‌هایی از هر کدام اشاره می‌شود:

#### ۱. لالایی

ترانه‌های لالایی برای خواباندن و ناز کردن کودک استفاده می‌شود و به طور ریشه‌ای و بُن‌مایه‌ای خواهش‌ها و دعا‌های مادر را در خود دارد. زن عشایری (مادر، مادر بزرگ، خاله، عمه و...) در حقیقت برای روزهای بیداری و چگونه زیستن و شور و شوق زندگی آفریدن در کودک، نغمه‌های پرمفهومی را می‌سراید که دنیایی از شادی و سرور، غم و سوز و آرزو و آرمان را در خود دارد. لالایی‌ها در فرهنگ و ادبیات بومی و محلی بختیاری‌ها اشعاری هستند که به صورت مربع با ارکان چهار هجایی «مفاعیلن» (u --- u) ادا می‌شوند. البته هنگام تکرار (لالا لالا) وزن تغییر می‌کند، اما مصرع‌هایی که به صورت منظم بیان می‌شوند، شامل تکرار دو رکن «مفاعیلن» در هر مصرع هستند و یکبار لالایی از دو بیت در قالب مثنوی شکل می‌یابد. گاه نیز بیت سومی به این دو بیت افزوده می‌شود که در وزن و قافیه مشترک است. بررسی اغلب این لالایی‌ها نشان می‌دهد که همه موضوع‌ها و عناصر مربوط به زندگی کودک را دربرمی‌گیرد؛ اعم از مادر، پدر یا خویشانی که با آنها زندگی می‌کنند. گاه در لالایی، آرامش، سلامت و خواب ناز را برای کودک دعا می‌کنند:

لالا لالا بخواب آروم جوونم / بخواب ای بلبل شیرین زبونم

بخواب جوونم که جوونت بی بلا با / نیه‌دار شو و روزت خدا با

(لالا لالا بخواب ای آرام جانم / بخواب ای بلبل شیرین زبانه / بخواب جانم

که جانت بی بلا باد / نگهدار شب و روزت خدا باد)



بررسی و دقت در نمونه‌هایی از ترانه‌های لالایی رایج در میان قوم بختیاری، نشان می‌دهد که اندیشه‌های دینداری و تشیع علوی، دوری از پدر خانواده یا مسائل عاطفی دیگر، به طرز ساده در این ابیات گنجانده شده است:

لالا لالا گل باغ بهشتم      برای بووت نومه نوشتم  
نوشتم نومه، رودِ مو عزیزه      دو چشمونس شو و روز هرس ریزه!

(لالا لالا بخواب گل باغ بهشت من / برای پدرت نامه نوشتم / نامه نوشتم که فرزندم عزیز است / دو چشم او شب و روز اشک می‌ریزد)

لالا لالا کُتم؛ خووت کُتم مو      علی گویم، بیدارت کُتم مو  
لالا لالا که لالایت می‌آیه      بخواب جونم تا بابایت بیایه

(لالایی می‌گویم تا تو را بخوابانم / یا علی علیه السلام می‌گویم و بیدارت می‌کنم / بخواب که خوابت می‌آید / بخواب جانم تا بابایت بیاید)

سرکوه بلند فریاد کردم      امیرالمؤمنین علیه السلام یاد کردم

امیرالمؤمنین یا شاه مردان / دل ناشادگانه شاد گردان

(سر کوه بلند فریاد می‌زدم / امیرالمؤمنین علیه السلام را یاد می‌کردم /  
امیرالمؤمنین علیه السلام یا شاه مردان / دل ناشادگان را شاد گردان)  
در گذشته، سفرهای تجاری، کشاورزی، سربازی یا مسافرت‌های اجباری  
بسیار سخت بود و مسائلی چون راه‌های کوهستانی، نبود خودرو، درآمدهای  
کم و... نیز بر این دشواری‌ها می‌افزود؛ که همین موضوع یکی از مهم‌ترین  
موتیف‌ها و درون‌مایه‌های این گونه ترانه‌های کودکانه است:

لالا لالا گل بستان / باباش رفته به دشتستان

لالا لالا گل پسته / باباش رفته کمر بسته

(لالا لالا گل بستان / باباش رفته به دشتستان / لالا لالا گل پسته / باباش  
رفته کمر بسته)

\*\*\*

لالا لالا گل گردو / باباش رفته من اردو

خدا همراه باباش با / علی پشت و پناهش با

(لالا لالا ای گل گردو / باباش رفته در میان اردو / خدا همراه پدرش باد /  
علی علیه السلام پشت و پناهش باد)



## ۲. ترانه‌های نوازشی

این قبیل سروده‌ها و ترانه‌ها را مادران یا پدران برای بیداری، نوازش و بازی کردن با فرزندان خود می‌خوانند. گاهی به هنگام بازی‌ها و رفتارهای شیرین کودکانه و زمانی به طعنه و شوخی یا هنگامی که فرزند را در آغوش می‌کشند و او را نوازش می‌کنند، این سخنان و نظم‌های زیبا را برای وی زمزمه می‌کنند. البته در همین بخش هم می‌توان ترانه‌ها را بر حسب

سن، جنس، بازی، حالت و شیفت‌های کودکانه و... تفکیک کرد که بسیار جزئی‌نگری می‌شود.

dohdarom tâje sarom

دهدرم تاج سرم

دخترم تاج سرم

kâse ma ure delbarom

کاسه مشور دل برم

کاسه نشور دلبرم

še nakerd mand be sarom

شی سه نکرد؛ مند به سرم

شوهر نکرد، روی سرم ماند

## ۳. چیستان‌ها و بداهه‌ها

چیستان، لغز یا معما (به زبان عربی) چیزی است که در «کسوت عبارتی مشکل متشابه، به طریق سؤال پرسند» (آژنگ، ۱۳۷۹: ج). چیستان را در

❖ ۴۰ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

بختیاری «چِن چِنه» یا «چِنه چِنه»، به معنای «چیست؟ چیست؟» می‌گویند. یکی از سرگرمی‌ها و بازی‌های بچه‌های بختیاری گفتن و ساختن چیستان‌هاست که نوعی مبارزه‌جویی و رقیب‌آزمایی است. تبادل متن‌های چیستان (لُغز) در مکتبخانه‌های سابق و مدارس امروزی بسیار رایج و پرطرفدار است؛ چون نوعی مبارزه کلامی و هنر حافظه‌آزمایی نیز در آن مستتر است:

**نمونه اول** - کاکا سیا اره ور کول دات      *kâkâsiyâ ?ere vorkuledât*

کاکا سیاه روی کول مادرت

پاسخ: مُشک.

**نمونه دوم** - هوهو ایا کارم سرا/ خیش نی یی گاو دوپا/ ملک سفید تخم

سیا؟

*havhav ?eyâ kârom sarâ / xi    maei gâve do pâ / molke safid  
toxme siyâ*

در کاروان سرا صدایی می‌آید، خیش از نی و گاو دو پا، زمین سفید و بذر

سیاه؟

پاسخ: قلم و کاغذ (دفتر).

این مورد، مکتبخانه‌ای و مدرسه‌ای است و حساسیت و علاقه‌مندی آموزشی را در پی دارد.

**نمونه سوم** - چنه چنه هشتاس به افتو، نه تاس به سا؟

*re    re ha t's be oftav noh tâs be sâ?*

چیست آن که: هشت تای آن در آفتاب و نه تای آن در سایه است؟

پاسخ: ۱۷ رکعت نماز.



#### کودکانه‌ها در ادبیات شفاهی مردم بختیاری ❖ ۴۱

در این چیستان آموزش غیرمستقیم نماز و مسائل مربوط به آن با استفاده از تفنن‌های ادبی عامه آمده است.

#### ۴. افسانه‌ها و متل‌ها

متل‌ها گونه‌ای از ادبیات عامه هستند که منشاء تولید آنها معین نیست و هر چند در طول زمان سینه‌به‌سینه انتقال یافته و گاهی چیزی به آنها افزوده شده است، ساختار و شکلی کاملاً عامه دارند. پژوهشگر فرهنگ مردم باید اقوال و روایت‌های مختلف و متنوع این متل‌ها را جمع کند و با تحلیل ساختاری عناصر، واژگان، آهنگ، موضوع، بن‌مایه و درونمایه آنها را مورد شناسایی قرار دهد. انجوی شیرازی در تعریف «متل» می‌نویسد: متل‌ها، قصه‌های کوتاهی هستند با مضامینی لطیف، سرگرم‌کننده و آموزنده که همه یا قسمتی از آن معمولاً به صورت شعر یا بحرطویل‌گونه است. قهرمان متل‌ها، بیشتر حیوانات هستند و گاهی انسان و سایر مظاهر طبیعت (جمادات) نیز در آنها وجود دارند؛ مانند متل‌های خاله سوسکه، کک به تنور، داشت و نداشت و... (انجوی شیرازی، ۱۳۷۱: ۱۳۰). به استناد بهره‌جویی از این تعریف، ویژگی‌های عمده و اساسی متل‌ها را می‌توان چنین برشمرد:

۱. قصه کوتاه‌اند. ۲. سرگرم‌کننده، آموزنده و جذاب هستند. ۳. آهنگین هستند (شعر، مقفا و بحرطویل). ۴. قهرمان اصلی آنها حیوانات هستند (گاهی انسان و سایر مظاهر طبیعت نیز در آنها نقش‌آفرینی می‌کنند).

بررسی ادبی متل و حوادث افسانه‌ای و خیالی آن، نکته‌های بسیاری دارد. بر اساس داستان‌نویسی نوین، عناصر و شخصیت‌ها، راوی (زاویه دید)، لحن و فضای این متل‌ها قابل توجه‌اند. کوهستان، رودخانه، سوار شدن، تفنگ در دست گرفتن و شکار کردن و... از عناصر اصلی زندگی عشایری‌اند که در متن

## ۴۲ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

مثل‌ها به کار رفته‌اند. کاربرد سرگرم‌کننده مثل، در کنار کارکرد آموزشی (تعلیمی) آن برای خردسالان جالب است. گوینده با خلاقیت خود می‌تواند این مثل را کش بدهد و بر هیجان و پیام اصلی آن بیشتر تأکید کند تا در نهایت کودکان به نکته‌های اخلاقی و غیرمستقیم آنها پی ببرند. از انواع مثل‌های بختیاری می‌توان به مثل‌های «چل دورو» (eldoru) و «دالو» (dâlu) اشاره کرد.

### ۵. مثل‌ها

ضرب‌المثل‌های فراوانی در مورد کودک و ارتباط او با خانواده و مسائل تربیتی او میان مردم رایج است. در اینجا به دو نمونه از این ضرب‌المثل‌ها، به همراه با کاربرد آنها اشاره می‌شود:

harfe râste ze ba a bepors      نمونه اول - حرف راسته ز بچه پیرس

حرف راست را از بچه پیرس

کاربرد: کودکان صادق و بی‌ریا هستند.

نمونه دوم - نه گپ مال بای نه کچیر قافله

na gape mâl bây na ka ire qâfele

نه بزرگ مال باشی و نه کوچک قافله

کاربرد: همان قدر که از بزرگ انتظار سروری، هدایت‌گری و حل و فصل

مسائل می‌رود؛ از کوچک‌ترها انجام کار و فرمانبری انتظار می‌رود.

### ۶. اشعار مکتبخانه‌ای

یکی دیگر از گونه‌های مهم و قدیمی اشعار مکتبخانه‌ای، «ترانه» است؛ آن دسته از اشعاری که ملأها و آموزگاران سنتی ایل به بچه‌ها یاد می‌دادند. این اشعار برای هوشیاری و بیداری کودکان سروده می‌شدند و بسیاری از آنها در

#### کودکانه‌ها در ادبیات شفاهی مردم بختیاری ❖ ۴۳

حوزه خواندنی‌های کودکان و نوجوانان قرار می‌گیرد (گودرزی دهریزی، ۱۳۸۸: ۳۹). در این گونه، آموزش با ادب تعلیمی، غنایی و حتی سرگرمی همراه بود.

ترانه‌ای با نام «کاشکی، کاشکی» از نوع مکتبخانه‌ای وجود دارد که در واقع متلی منظوم و چیستانی طولانی هم شمرده می‌شود. در این ترانه، روح معنوی و مذهبی عشایر بختیاری نمایان است. مضمون ترانه، فردی را نشان می‌دهد که در سفری روحانی خود را به پیامبر اکرم ﷺ نزدیک می‌کند و او در نمازش، عنبری (استعاره از قرآن) به سالک می‌دهد که قرائت آن دنیایی را پیش چشمان سالک می‌گشاید:

«کاشکی، کاشکی مرغی بی‌دم (کاشکی مرغی بودم)، مرغ سپید مرغی بی‌دم (مرغ سفیدی بودم)، اندر هوا بگیرستی (در هوا گرفتار می‌شدم)، اندر زمین بگیرستی (در زمین گیر می‌افتادم)، البت سواو کردم (البته ثواب می‌کردم)، ثوابه حج اکر دم (ثواب حج می‌کردم)، حجی یل حج اکنن (حاجی‌ها حج می‌روند)، شو و رو دعا کنن (شب و روز دعا می‌کنند)، سر تخت مصطفا (سر تخت حضرت مصطفی ﷺ)، مصطفا درگم بده (حضرت پیامبر ﷺ برگم بدهد)، درگم به عنبرا بده (برگم به عنبرها بدهد)، عنبرا بویش خُشه (عنبرها خوش بویند)، بوی بلگ بلگ نازینش خُشه (بوی برگ برگ نازینش خوش است)، دستم گریدم به خلقه (به حلقه دست زدم)، گُف: چه جوری آی بنده؟ (گفت: ای بنده چه جوری؟)، محمّد به نمازه (حضرت محمد ﷺ در حال نماز است)، آیه س دیر و درازه (آیه‌های طولانی‌اند)، کلّیس خونه‌مونه (کلیدش خانمان است)، چراغس آسیمونه (چراغش آسمان است)، درختی هید گنج بهشت (درختی در کنج بهشت وجود دارد)... (قنبری عدیوی، کوه‌رنگ، ۱۳۸۸)

## ۷. آیین‌ها

برخی ترانه‌ها زمان خاصی دارند و به یکی از فصل‌ها، مناسبت‌ها، جشن‌ها، باورها و خواسته‌های ویژه‌ای مربوط هستند. بر همین اساس، ترانه‌ها به صورت موسمی و غیرموسمی ارائه می‌شوند:

### ۷-۱. ترانه موسمی «بهاره خوانی»

بهاره خوانی ترانه‌ای موسمی است که به هنگام بهار خوانده می‌شود:

بهاره، بهاره کاسوزلی سواره

(بهار است. بهار است عمو سبزه‌علی سوار است)

سواره ترکه ماره

(سوار مار باریکی است)

بنگ اکنه فلی ناز...

(صدا می‌زند فلک ناز)

### ۷-۲. ترانه نوروز خوانی

کودکان پس از یک دوره آموزش مکتبی که معمولاً از پاییز یا زمستان شروع و به نوروز منتهی می‌شد، مطالبی را می‌آموختند و آنگاه ملای مکتبی شعری به آنها یاد می‌داد تا از آن طریق از پدر، عمو، خاله، دایی و خویشان دیگر هدیه‌ای بابت آموزش برای ملای خود دریافت کنند. کودکان نیز با شوق و اشتیاق فراوان این شعر را می‌خواندند و با تغییر نام فرد، هدایایی برای معلم تهیه می‌کردند. این ترانه اغلب در نوروز خوانده می‌شد و بر همین اساس نوعی نوروز خوانی محسوب می‌شد.

بوه بده، نوروزی‌ام، بوه بده نوروزی‌ام

bave bede navruziyom bave bede navruziyom

بابا بده نوروزی‌ام (۲بار)

#### کودکانه‌ها در ادبیات شفاهی مردم بختیاری ❖ ۴۵

نوروز نو، باز اومه، بلبل ز شیراز اومه

navruze nav bâz ?umade bolbol ze rāzo?umade

نوروز نو باز آمده، بلبل ز شیراز آمده

\*\*\*

نوروزی بده، نوروزیمه، بوه بده نوروزیمه

navruzi bede navruzime bave bede navruzime

نوروزی بده، نوروزی مرا، بابا بده نوروزی مرا

نوروزی اخوم، نوروزیمه، بوه بده نوروزیمه

navruzi ?exom navruzime bave bede navruzime

نوروزی را می‌خواهم، نوروزی‌ام، بابا بده نوروزی‌ام را. (فرامرزی،

کوه‌رنگ، ۱۳۸۸)

خواندن این ترانه‌های ساده و بی‌پیرایه کودکانه، روح ساده و لطیف کودکان و محبت بزرگان را نشان می‌دهد. پس از فراگیری آموزش‌های مکتبخانه، ملاً از بچه‌ها می‌خواست که برای او هدیه و شکرانه سوادآموزی بیاورند. کودکان هم این سروده‌ها را از معلم خویش می‌آموختند و نزد پدر، مادر، عمه و عمو می‌رفتند و با حرکات شیرین و کودکانه، پارچه، خوراکی، پول و... تهیه می‌کردند و به عنوان هدیه به معلمان خود می‌دادند. (قنبری‌عدیوی، کوه‌رنگ،

۱۳۸۸)

#### ۸. بازی‌ها (نمایشی / سرگرمی)

##### ۸-۱. باران خواهی

کودکان به سبب پاکی طبیعتشان در آیین باران‌خواهی شرکت می‌کنند. در این آیین با هدایت بزرگان و نقش‌آفرینی خردسالان، از خانه‌ها آرد تهیه

می‌کنند و نانی می‌پزند و در خمیر آن یک دانه سنگ یا مهره قرار می‌دهند. این سنگ یا مهره در گرده (نان) هرکس باشد، او را به خشکسالی متهم می‌کنند و شروع به زدن او می‌کنند تا ضامنی پیدا شود و مهلت بخواهد تا او را رها کنند و خدا باران بفرستد:



هار هار هارونک، خدا بزَن بارونک

hâr hâr hârunak xodâ bezan bârunak

هار هار هارونک، خدایا باران بزَن

سی او عیال وارون، خدا بزَن بارونک

si ?u ayâl vârun xodâ bezan bârunak

برای عیال‌وارها، خدایا باران بزَن

گندما به زیر حاکن، ز تشنه‌ای هلاکن

gandomâ be zeire hâken ze te neei halâken

گندم‌ها زیر خاک‌اند، از تشنگی هلاک‌اند

کودکانه‌ها در ادبیات شفاهی مردم بختیاری ❖ ۴۷

بارون بزَن تن تنکی، هار هار هارونکی

bârun bezan ton tonoki hâr hâr hârunaki

آهسته آهسته باران بزَن، هار هار هارونکی (هادی پوربروجنی، ۱۳۷۱: ۲۰۹-)

(۲۰۸)

۸-۲. ماه نو

این مراسم با حضور زنان، مردان و کودکان روی بلندی و تپه صورت می‌گیرد و هنگام دیدن داس ماه نو، این اشعار و ترانه‌ها به صورت جمعی یا فردی خوانده می‌شود:

مه نه دیدم به شادی، به ری گو و ماهی

mah nedidom be ʔadi, be ri gov o mâhi

ماه را دیدم به شادی به روی گاو و ماهی

به ری ورزای خیشی، به ری گله‌ی میشی

be ri vorzâye xi ,be ri galeye mi i

به روی گاو نر خیشی به روی گله میش‌ها

به شادی ویدی، به شادی بری!

be ʔdi veydi, be ʔdi beri!

به شادی بیایی به شادی بروی (قنبری، کوه‌رنگ، ۱۳۸۰)

۸-۳. کشاورزی

کودکان در دور کردن پرندگان از محصول (مزرعه یا خرمن)، خرمنکوبی، و بار کردن و انتقال محصول (برکت) مشارکت می‌کنند. گاه مسئولیت خواندن اشعار معمولی و غیرادبی هم به آنان سپرده می‌شود.

اهی اهی، بنگشت زرد، غلنه خرد

?ahay ?ahay benge te zard qalene xard

اهی اهی، گنجشک زرد غله را خورد

یا در هنگام خرمنکوبی کودکان این شعر را می‌خوانند:  
holey hâ holey hâ holey hâ hirdâku هلی‌ها، هلی‌ها، هلی‌ها هیرداکو  
holey hâ holey hâ holey hâ hirdâxuv هلی‌ها، هلی‌ها، هلی‌ها هیرداخوو  
هلی‌ها، هلی‌ها، هلی‌ها خُرد بکوب- هلی‌ها ... خرد کن

#### ۸-۴. بازی‌ها

بازی‌های محلی بسیاری در میان کودکان ایل بختیاری اجرا می‌شود که نیازی به لوازم و اسباب ندارد، ولی دارای شعر و متن است. نمونه‌هایی از آن در بازی‌های «گرگم و گله می‌برم»، «په بره غزاله نیدی»، «هلله گِگ چَمبری»، و... وجود دارد که مورد آخر را به عنوان نمونه ذکر می‌کنیم:  
بچه‌ها دو نفر را به عنوان دالو (پیرزن/ مادر بزرگ) و گرگ انتخاب می‌کنند. بقیه کودکان هم پشت سر مادر بزرگ پناه می‌گیرند و گرگ باید تلاش کند تا بچه‌ها (بره‌ها) را برآید.

گرگ می‌گوید: هل هله گِگ چَمبری.

مادر بزرگ (دالو) می‌گوید: به خدا که نیلُم نی‌بری! (نمی‌گذارم ببری).

گرگ: آر بوَرُم چی اِکُنی؟ (اگر ببرم چه می‌کنی؟)

دالو: هیرد و هویرت اِکُنم (خُرد و خمیرت می‌کنم)

گرگ: دندونامو تیزترن (دندان‌های من تیزترست)

دالو: بچله مو عزیزترین (بچه‌های من عزیزترند)

گرگ: هونه بُتی کو طرفه؟ (خانه خاله کدام طرف است؟)

دالو: ای طرفه او طرفه (این طرف است، آن طرف است)

بچه‌ها که پشت لباس همدیگر را گرفته‌اند، به این سو و آن سو حرکت می‌کنند و گرگ تلاش می‌کند تا با حرکت غافلگیرانه، از کنار دالو کودکان را



کودکانه‌ها در ادبیات شفاهی مردم بختیاری ❖ ۴۹

برباید و در گوشه‌ای نگه دارد. اگر گرگ موفق شود همه کودکان (به جز یکی) را ببرد، مادر بزرگ آخرین بچه را به پشت می‌گیرد و گرگ او را هم از پشت دالو می‌رباید و برای هر یک اسمی انتخاب می‌کند. این نام‌ها از بین میوه‌ها، گل‌ها و یا موارد توافقی دیگر برگزیده می‌شوند.

دالو سپس به خانه گرگ می‌رود و ابتدا می‌گوید: بچه مونه نیدی؟ (بچه مرا ندیدی؟)

گرگ: اسمس چه بید؟ (اسمش چه بود؟)

دالو باید از میان نام میوه‌ها و ... آن قدر گزینه‌ها را تکرار کند تا به نام کودک برسد، سپس یکی‌یکی بچه‌ها را برمی‌گرداند و از آنها می‌پرسد: گرگ نون بت دا، او بت دا، حمومت برد؟... (گرگ نان به تو داد، آب داد، تو را حمام برد؟) اگر پاسخ کودکان منفی باشد، به نفع دالوست و جای گرگ و دالو عوض می‌شود و این بازی همچنان‌انگیز از نو آغاز می‌گردد.



در اغلب بازی‌های بختیاری، نشاط، همبستگی و اتحاد، تلاش و گرفتن نتیجه و نقش رهبری و سرپرستی و نکته‌های آموزشی و اجتماعی بسیاری

وجود دارد. مسائلی چون نماز، دعا و امور معنوی نیز در این بازی‌ها مشهود است. این مفاهیم در بازی‌های فاقد شعر و متن خوانی که قابلیت آموزش عدد یا ترتیب را دارند نیز به چشم می‌خورد. (عبّاسی، ۱۳۸۴: ۲۰-۱۵)

### جمع‌بندی

در بررسی و تحلیل نمونه‌های جمع‌آوری شده از ادبیات عامه قوم بختیاری، در بخش گونه‌های کودکانه، ویژگی‌های زیر قابل مشاهده است:

۱. ادبیات عامه بختیاری از نظر ساختار و محتوا همچون سایر گونه‌های ادبی رسمی و عامیانه ایران است؛ نثر روان و موزون است و در نظم، مصرع‌ها کوتاه و دارای ضرباهنگ‌اند.
۲. گونه‌های ادب عامه بختیاری در حوزه کودک و نوجوان، متنوع و در قالب دسته‌بندی علمی قرار می‌گیرند. این نوع ادبیات، سرگرم‌کننده، آموزشی و عاطفی‌اند و سبب جذابیت متن می‌شوند.
۳. در ترانه‌ها، قالب اشعار، به طور عمده شامل دو، سه، چهار یا پنج مصرع است. در ترانه‌های خردسالان، گاهی تا ده مصرع هم مشاهده می‌شود.
۴. واژه‌هایی چون «لالا لالا، بهاره بهاره، هرسه هرسه- تنگه تنگه و...» برای تولید موسیقی و آهنگ در اغلب شعرهای کودکانه وجود دارد؛ هر چند دارای معنای خاصی هم نیستند.
۵. آهنگ ترانه‌ها بسیار شاد، طرب‌انگیز و متناسب با سن کودک است.
۶. مادران آرزوهای ساده خود را در قالب ترانه‌های کودکانه القا می‌کنند. بی‌گمان آفریننده ترانه‌های کودکانه، مادران، مادر بزرگ‌ها و در کل بانوان هستند که خواسته‌ها، آرزوها و ناکامی‌های خود را در آن می‌گنجانند.

کودکانه‌ها در ادبیات شفاهی مردم بختیاری ❖ ۵۱

۷. برای دخترها، هنرها و موضوع‌هایی چون زیبایی، شادی، شوهر کردن و برای پسرها مسائلی چون شکار، مسافرت، زن گرفتن و... در ترانه‌ها گنجانده می‌شود.

۸. گهواره کودک، نخستین دبستان آموزشی و پرورشی اوست و مادر، نخستین معلم و ترانه‌ها نخستین مواد آموزشی و درس‌نامه‌های او به شمار می‌روند.



## منابع

### الف) کتاب

۱. انجوی شیرازی، سیدابوالقاسم (۱۳۷۱). گذری و نظری در فرهنگ مردم. تهران: اسپرک.
۲. آژنگ، نصرالله (۱۳۷۹). چیستان، لغز، معما. تهران: نشر محمد.
۳. عباسی، لطف‌الله (۱۳۸۴). مجموعه بازی‌های بومی - محلی عشایر ایران. تهران: کیا.
۴. قول‌ایاغ، ثریا (۱۳۸۵). ادبیات کودکان و نوجوانان و ترویج خواندن. تهران: سمت.
۵. گودرزی دهریزی، محمد و بهرام آقاخانی چگینی (۱۳۸۸). ادبیات کودکان و نوجوانان ایران. تهران: قو - چاپار.
۶. هادی‌پور بروجنی، مژگان (۱۳۷۱). بازی‌های بومی محلی چهارمحال و بختیاری. اصفهان: غزل.

### ب) مصاحبه

۱. قنبری عدیوی، شهباز، خوش‌آب، کوهرنگ، چهارمحال و بختیاری، ۱۳۸۸.
۲. فرامرزی، بی‌بی‌نوری‌جان، کوهرنگ، چهارمحال و بختیاری، ۱۳۸۸.